

تعلیمنامه خدمات و اخلاق اردو

آ - اساسات

۱- دسپلین

۱- تامین سعادت و سلامت و استقلال وطن و ملت و حفاظت حکومت تنها بواسطه یک اردوئیکه دارای دسپلین مکمل باشد امکان دارد.

جهت تاسیس دسپلین در اردو لازم است که تمام منسوبین مسئولیت وجدانی را حس نموده بایک اطاعت مطلق و صادقانه ایفای وظیفه نمایند و علاوه بر این باید که در ایفای هر خدمت به بسیار دقت و خواهش الی تفرعات خورد آن صرف مساعی نموده و در دماغشان محبت وطن حکومت، ملت و مسلک و وظیفه جا داده شود اینها وظایف نخستین هر آمر است.

۲- برای تامین یک دسپلین مکمل و درست لازمست که در بین آمر و مادیون حس شفقت و احترام مقابل پرورانیده شود.

دسپلینی که اینطور نباشد مهلک و در زمانهای بحران آلود شیرازه آن خیلی بزودی از هم گسسته و ناکامی و فلاکت را تولید مینماید.

۳- هر آمری که خرابی وضع دسپلین را حس کند ولو که خیلی اندک هم باشد مجبور است که در حال اسباب

(۲۹)

مادی و معنوی آنرا جستجو و ازاله و عنداللزوم جهت حفظ و تأمین آن بچاره های شدید توصل ورزیده صلاحیت قانونی خود را کاملاً استعمال نمایند .

۳-وظایف مادون

۴-اطاعت مطلق را که مسلک اقتضا میدارد مشروط برینست که هر مادون از صمیم قلب آن را اجرا نماید باید اطاعت علاوه از خوف صلاحیت قانونی ما فوق و یا آمر در هر زمان و مکان بحسن محبت و اعتماد مادون در مقابل رتبه، مقام و شخص ما فوق از تمام حال و حرکات آن ظاهر بوده بچشم دیده شود و از نظر مادون بدرخشد تلقین این حس اعتماد و محبت نیز از وظائف اساسی آمر و ما فوق میباشد .

۵-لازم است که هر مادون به تزئین معلومت و تجربه آمران خود و بخدمات زیاد آنها که برای اردوی مملکت نموده اند اعتماد نماید و مطمئن باشند که ما فوق شان همیشه در حق آنها نیک بین بوده آنها را حمایه مینمایند این چیزها اساس روح اطاعت را تشکیل میدارند .

۶-هر مادون که بنابر کدام امور رسمی و یا شخصیه با یک آمر ما فوق خود آمیزش و مناسبت پیدا کند مجبور است که در هر زمان تماماً با اصولها و تربیه عسکری رعایت کار بوده و به آنها یک احترام عالی داشته باشد .

۷-هر عسکر باید بداند که استعمال الفاظیکه بشرف و حیثیت شخصی و عسکری آمر ها نقیصه وارد نماید در هر جا که باشد با آنها منازعه نمودن (لسانی و عملی) شخصیتها

(۳۰)

شان را خوار و حقیر دیدن و تشبث نمودن به این چیزها
اطوار خیلی خراب و همچنان گاهی بر روح دسپلین اردو
موافق نبوده هیچ یک زمان بدون جزا گذاشته نخواهد شد.

۸- مادون مکلف میباشد که هر امر آمر ما فوق را
بصرف تمام قوه خویش و آرزوی قلبی بوقت آن اجرا نماید
علاوه برین هر مادون مدیون میباشد که خواه در حین
وظیفه و خواه خارج آن همراهی آمران خویش معاونت بدارد.

۹- مادونان همیشه در نزد مافوقان خود متوجه بوده
برای اجرای او امریکه جهت یک خدمت میدهند اما ده گوی
خود را در اجرای آنها باید طوری نشان بدهند که به
نگاههای خواهشمندانه بچشمان آمر خویش بینند.

۱۰- مادون یک امریکه میگیرد در خصوص آن بیان
مطالعه کردنش به آمر قطعاً ممنوع است. امریکه گرفته
شود بدون قید و شرط و بدون هیچ فکر و تأمل باید اجرا
کرده شود در حین گرفتن یک امر و یا بعد از اخذ آن
با مقابل اینطور یک حال و حرکت ظاهر به ختن که درست
نبودن امر مذکور را نشان بدهد مستلزم جزا میباشد.

۱۱- برای اینکه مادون در وقت لزوم مقام آمر خویش
را اشغال کرده بتواند باید در یاد گرفتن وظیفه آن خیلی
کوشش نماید.

اصلاً چون جهت ترفیع نمودن بیک رتبه بلند دارا
بودن اوصاف و شروط همان رتبه بلند اساس میباشد لهذا
مادون هر قدر بیشتر به اوصاف و شروط فوق موافق شود
بهمان اندازه امنیت و اعتداد آمر خود را بیشتر حاصل

(۳۱)

نموده و بدون تاخیر برتبه ها و مقامهای بلندتر ترفیع
مینماید .

۱۲- جائز نیست که مادیونان مافوقان خود ها را
اسماً خطاب نمایند. عنداللزوم (سپه سالار صاحب قوماندان
صاحب، فرقه مشر صاحب، رئیس صاحب، غنم مشر صاحب،
کنندگ مشر صاحب و تو لیمشر صاحب گفته خطاب مینمایند .
و یکسانیکه دارای رتبه ضابطی نباشند تعبیر صاحب باید
استعمال کرده شود .

وظایف آمر

۱۳- آمر از مادیون خویش خواستن و انتظار کشیدن یک
اطاعت مطلقه را ذیحق مینماید لکن بالمقابل آن مکلفست
که شرف و حیثیت و تندرستی آنها را مد نظر قرار بدهد .
۱۴- آمر به مادیونها نیکه با و تشریک مساعی دارند بایست
همیشه نیک بین بوده موافق و مطابق قانون و نظامها و بصورت
مساویانه معامله و رفتار نماید لکن این فکر حمایه و حسن
نیت باید به هیچ صورت سبب جدا شدن آمر از قانون و
نظام و امرها نگردد .

۱۵- آمر تنها ذریعه معلومات ، حسن اخلاق و حرکات
عادلانه که خارج شیرازه قانون و صلاحیت نباشد اعتماد
مادیون خویش را کماهی کرده میتواند . خواه این اعتماد
به مادیون تجلی کند و خواه از طرف مادیون فوق تزییق شود
و در هر دو صورت برای تمام اجرا گردیدن خدمت و وظیفه ها
از جمله مهمترین شرطها بشمار میرود .

(۳۲)

۱۶- غیرت و صداقت بوظیفه اطاعت و پابندی بقانون، ابراز نفوذ و طور آمریت حفظ وقار و حیثیت کوشش نمودی متوجه بودن بقیافه خویش و در هر کار نمونه امثال شدن جهت مادیونان از اوصاف آمریت میباشد اینست یگانه راه قطعی که مادیون را بکمال موفقیت میرساند.

۱۷- گرچه رتبه ضابطان صنف معاونه مامورین عسکری از قوماندان جزو تائیکه آنها تحت امرش میباشد بزرگ باشد با آنها به اجرای امر قوماندان مجبور میباشد. با وجود آن قوماندانها نیز مجبورند که به آنها به اعتبار رتبه های شان احترام لازمه نشان بدهد.

۱۸- در حین وظیفه باید آمران با مادیون خویش همیشه مناسبات جدی داشته باشند مناسبات و ملاقاتهای خارج وظیفه شان هم باید صمیمی و از دل باشد با اینهم بدرجه من و تونرمد قاحسن اطاعت و حرمت را خراب ننماید.

۱۹- آمران و تیکه بمادیونان شان وظیفه میدهند باید احوال خصوصیه و فعالیت و مقاومت آنها را بکار بسنجد.

۲۰- آمرین همچنانیکه مادیونان شان را بمناسب و عنوانهای شان صدا نموده میتواند جهت تزئید صمیمیت و محبت بنا مهای نژادی شان هم صدا کرده میتوانند.

(مانند توریالی بلو کشر و پبتون تولیمشر).

۲۱- آمرین مادیون وقوع مجبوری شدید بکارهای مادیونان که داخل صلاحیت خود آنهاست مداخله ننمایند مداخله بی لزوم حس محبت و اعتماد مادیون را بمقابل

(۳۳)

ما فوق متزلزل نموده قوه تشبث شان را تنقیص و استعداد تکمل شان را محو مینماید. تنها در حالیکه مادیون صلاحیت خود را استعمال نموده نتواند و از شیرازه خود خارج و یا بخارج شدنش حکم شود آنوقت حق و وظیفه آمر است که بکار مداخله و آنرا تنظیم و به احوال موافق سازد.

۲۲- باید آمرین بروح افراد معیت خود ها حاکم بوده جهت موفقیت شان بکارهای رسمی و خصوصی آنها باید حتی الامکان معاونت بنماید حقوقشان را و قایه و بایک حس صمیمیت پدران و مثلیک برادر بزرگ باید با آنها هر نوع کمک بدارد.

قوماندانهای تولیها و غیره جزو تاهای خورد تر و معادل آنها افراد معیت شان را باید اسماً و شخصاً شناخته و از احوال خصوصیه گذاره و وضعیت خانگی و معلومات داشته باشند.

۲۳- هر آمریکه بی تاثیر و لا اجرا مانندن توصیه و تنبیها تیرا که نسبت به امور رسمی و به ترتیب داده شده بیند و خصوصاً اگر در وظیفه لایقیدی و اعمال را احس کند مجبور است که فوراً صلاحیت قانونی خویش را استعمال نموده مادیونهای خویش را براه آرد.

۲۴- در صورتیکه اظهار به رای نمودن و قناعت حاصل کردن متعلق به بعضی ها باشد چون مسئولیت به صاحبان قناعت دهندگان رای عائد میباشد (مانند هیئت های خریداری و معاینه و غیره) درین صورت آمرین به هیچ صورت

(۲۴)

اظهار نظریه کرده و یا امر داده نمیتواند . که فکر من چنین است و یا آنطور باشد .

۲۵- آمرین باید جنس و مقدار جزائیرا که لزوماً حکم میدارد تنها بقباحث و بی‌راهی مادون اندازه نکرده بلکه حالت روحی و استعداد فطری و اعتیاد آنرا به اطاعت نظام و انتظامات مدنظر گرفته حساب و تعیین نماید و این کار بمهارت آمرین تعلق دارد .

۲۶- برای اینکه جزاومکافات موثر واقع شود همیشه عادلانه و در وقت آن اجرا گردد .

۲۷- امرهائیکه خواه ذریعه طرم و دیگر اشارات و خواه شفاهی و تحریری داده شود بهمه حال باید خیلی دقت شود که در وقتش اجرا گردد . و اگر در اجرای آنها تاخیر واقع شود قطعاً عفو نمیشود . وظیفه اولین هر امر است که معیت خود را بحب وظیفه و تام در وقتش به اجرای آن عادت بدهد .

۲۸- برای اینکه آمر وظیفه های خود را بخوبی ایفا و در قرار خود مستقل و به اجرای صلاحیت خود بمقابل مادونان آزاد بماند باید طوری حرکت نماید که خود را بمقابل مافوق و مادون خویش به منت و مجبوریت‌های خصوصی و شخصی داخل نسازد . بنابراین از مادونش پول قرض نگرفته و هدیه آنرا قبول نکند و یک طلبیکه منفعت خصوصی از آن تامین شود نه نماید .

۲۹- آمرین باید بهر قسم زحمت و محرومیت‌های افراد معیت خود اشتراک نماید و بداند که در حین ظهور یک

(۳۵)

رفاهیت و سهولت برای استفاده از آن نفس خود را آخر کشیدن و در وقت ظهور یک مشکل و سختی خود را مقدم نمودن یک وظیفه یا شرافت میباشد.

۳۰ - آمرینیکه در یک منطقه عسکری میباشند در عیدها بقتله ها رفته با افراد عید مبارکی میکنند چه در اعیاد و چه در فرصتهای مناسب بالذات بشفاخانه رفته و یا بوکالت خویش یکنفر دیگر را فرستاده حال واحوال ضابطان و افرادی را که مریض میباشند میپرسند بالخاصه قوماندانان تولیها اینگونه زیارتها را بالذات باید بنمایند. این زیارتها در قلب عسکر یک حس محبت عمیق گذاشته و بمقابل آمرین اعتمادی را که میپروانند تزئید میدارد.

۴- امر

۳۱- آمر ناظم هر گونه وظایف و خدمات عسکری میباشد لازم است که امر به یونیفورم (لباس) عسکری داده شود اگر یک آمر یونیفورم عسکری نداشته امر بدهد کسی نیکه او را میشناسند مجبورند که او امر مذکور را اجرا نمایند هرگاه آمرین بدون یونیفورم عسکری بوده و از طرف مالدونان شناخته نشوند و هم لزوم امر دادن را مشاهده کنند بتوسط هویت خویش باید خود را معرفی نمایند. درینصورت او امر مذکور از طرف مالدونان اجرا کرده میشود (آمرینیکه بموجب قانون در محل امر داده باشند).

۳۲- آمریکه نظر به ایجاب حال و وضعیت در دادن امر از اصول تابعیت سلسله مقامها جدا شده مجبوراً بمقام و درجه

ما دون و پایا تر از آن امر بدهد. اگر ممکن شود فوراً باید بسلسله های مراتب معلومات بدهد. مادونیکه اینچنین امر را میگیرد آنرا اجرا و در صورت امکان فوراً و الا بعد از حصول امکان امر خویش را از کیفیت اطلاع میدهد.

۳۳- امرها باید واضح، کوتاه و صریح باشد و امریکه امر میدهد راجع به داناندن آن و دانستن ما دون تناقض داشته باشد تنها امر برای ایفای یک وظیفه و یا خدمت کفایت نمیکند بلکه وظیفه هر امر است که امر مذکور را تعقیب و کاملاً ایفای آنرا تأمین نماید عندالایجاب بقسم واضح بداناند که کدام وقت اجرای امر مذکور لازم و بچه طرز اجرا شود.

باید امر در تعیین و تحدید اینوقت مدقق و زمان راتنگ نگیرد که وظیفه کاملاً بدون اجرا و ناتمام ماند.

۳۴- او امریکه داده میشود از طرف امر دهنده بدون یک مجبوری قطعی باید تبدیل نگردد لذا از جهت مجبور نشدن به آن لازم است که در حین دادن امر قابلیت اجرا و تطبیق آنرا سنجیده و حساب نماید تبدیل او امر تردد افکار را نشان میدهد آنهم اعتماد را خراب نموده ما دون را بکفالت و سستی سوق میدهد لیکن حینیکه برای تبدیل امر اسباب مبهم ظاهر شود در تبدیل نکردن آن اصرار نباید کرد.

۳۵- امرها ماهیت خدمت و آن شرایطیکه در حین اعطای امر موجود باشد و به ایجاب تعلیمنامه هاییکه بخدمت تعلق میگیرد تابع بوده شفاهاً و یا تحریر آداده میشود برای رفع غلطیها و خطای او امر طویل و مخلوط در احوال ممکنه باید

(۳۷)

بصورت تحریری اعطا و یا باید از طرف ما دون نوت کرده شود تقدیر نمودن اینکه امر بصورت تحریری و یا شفاهی داده شود متعلق به امر است مقصد از تکرار امر تأمین قناعت ما دون و اجرای تمام آن میباشد بناءً آ علیه هر ما دونیکه شفاهاً امر میگیرد باید اصولاً خود بخود امر مذکور را تکرار نماید در صورت لزوم و حتی الامکان نوت گردیدن امر از طرف ما دون مفیدتر است تکرار نمودن او امر کوتاه که بماهیت خطاب میباشد لزوم ندارد. با وجود آن نظریه تقاضای امر آنچنان او امر نیز باید تکرار کرده شود.

۳۶- او امر لازم است که متعلق بخدمت بوده قانون و نظامات را اخلاص نماید (نظامنامه خدمات داخله اردو ماده ۱۵۰۸) ما دون امری را که میگیرد (به استثنای احوالیکه بماده ۱؛ فقره ب نظامنامه جزای عسکری ذکر شده) گرچه بقانون و نظام موافق نباشد نیز آنرا اجرا و بعد از آن شکایت نماید.

اگر امر امری بدهد که به احوال ماده ۱؛ فقره ب نظامنامه جزای عسکری متعلق باشد امر مذکور ایفا نگردیده بدون ضیاع وقت از راه کوتاه تر به آمر یکدرجه ما فوق اطلاع داده میشود در حال اجرای امر تمام مسئولیتی که از اجراءات امر تولید گردد عائد بمادون میباشد.

۳۷- در احوالیکه یک فرماندان از مرکز خود جدا و یا از سبب یک معذرتیکه خدمت نموده نتواند از داخل نظام حرب، آن ما دون خود را که از حیث رتبه و قدم بخودش قریبتر باشد وکیل گذاشته باشد خاص ذی علاقه معلومات

(۳۸)

میدهد در احوال مستثنا که تعیین وکیل امسکان نداشته باشد شخصیکه نظر بر تبه و قدم نزدیکتر است فوراً بدون انتظار یک امر، قومانده را بدست میگیرد. اینچنین احوال با امباب موجب آن به امر بزرگیکه در جزواتام است اطلاع میگردد اگر وقت و کالت طول بکشد شخصیکه از طرف مقام صلاحیتدار بمقام امر و قومانده تنصیب و امر گردد میآید امور و کالت بموسسه ها از طرف مقاماتیکه موسسات مذکور بآنها مربوط است تنظیم و امر کرده میشود.

۵- امر یومی

۳۸- قوماندها و غندها و یا جزواتا مهیای خورد ترازین و یا قوماندهای گارنیزونها و آمرین مؤسسات جهت تأمین انتظام خدمات داخلیه و تمام وظایف و رفتار داخل دیسپلین و از الة هر گونه بی راهی و نقصانات که در امور دیده میشود هر روز یک (امر یومی) میدهد.

عندالایجاب بداخل امر یومی مواد عمومی در خصوص پیشبرد امریکه اجرای آن لازم میشود نیز تحریر شده میتواند.

۳۹- مقامات بلندتر از غنده که امر یومی میدهند امر مذکور را- الی تعداد جزواتا مهیای خوردیکه در اجرای امر موصوف* موظفند ترتیب و میفرستند.

۴- غندها و کندکهای مستقل و مفرزه او امر یومی را که از مقامهای بلند میگیرند از خود دانسته اگر در بین آنها موادی باشد که تبلیغ آن عیناً بر مقامهای پائینتر لزوم داشته باشد تبلیغ میدارند.

دیگر های آنها را برای او امریومی خویش اساس اتخاذ نموده تبلیغ نمایند در صورتیکه برای خود دیگر او امر و سنجشها داشته باشند دیگر مواد آن را علاوه نموده نظر به تعداد جزو تاسهای خورد تریکه تحت امر شان میباشد امریومی بصورت تحریری حاضر و میفرستند .

۴۱- غندها و کندکهای مستقل و مغرزه و مؤسسات مانند اینها او امریومی را بساعت ۱۴ میدهد .

درینوقت ضابطان امر کندکها که بداخل جزو تاس غنده میباشند (اگر ضابطان امر نباشند در احوال مهم قومانندان کندک را که تعیین نموده و یا ضابطان را که جهت شان نومه وضع کرده و در احوال عادی دلگیمشتر نویسنده کندک اگر بغند بلوک طوپ پیاده و غیره جزو تاسهای مربوط باشند یک خورد ضابط ازین جزو تاسها مامور میشود) بقرارگاه غند (در کندکهای مستقل و مغرزه سرپر کمشران تولیها بمرکز کندک) میروند و امر میگیرند امر از طرف ضابط امر غند قرائت میشود و درخصوص نقطه هائیکه فهمیده نشود و یا احتمال غلط فهمیده شدن را داشته باشد به کسانی که امر میگیرند توضیح میگردد .

۴۲- در تولیها امریومی را سرپر کمشران تولی بهر کدام ضابطان تولی جدا جدا نشان میدهد که بخوانند هر ضابط بعد از خواندن در تحت امر اعضاء می نمایند بعد سرپر کمشر، آنرا بدوسیة مخصوصش ربط میدارد .

۴۳- قومانندانان تولی از امریومی موادی را که عیناً تبلیغ آن به افراد تولی لزوم داشته باشد بدقت

(۴۰)

او امر یومی تولى ثبت و در خصوص خدمت داخلى تولى
اگر يك گفتنى جداگانه داشته باشند آنرا نیز علاوه
میدارند .

این امر بعد از حاضرى شام از طرف ضابطه نوکریوال
تولى به پیشروى تمام افراد قرائت و فهمانیده میشود .

ب- امور ذاتیه

۱- مراجعتهای

۴۴- اگر مراجعتهای تحریرى باشد باید عرائض از روی
سنجش تحریر گردد تا پیسوده مقامات را مشغول نسازد
چیزیکه خواسته میشود باید مطابق عقل ، موافق قانون
و نظامات باشد . باید عرائض بدون ریا یک لسان مؤدبانه
و حرمتکارانه بشکلیکه مقصد را واضح و کوتاه بداناند
و ساده تحریر شود باید مراجعتهای شفاهی نیز موافق
قاعده باشد .

۴۵- آمرین هر نوع مراجعتهای تحریرى و لسانی
مادونان شانرا با سکونت و حسن نیت شنیده و تدقیق نمایند
لذا آنها چیزهای موافق را که بداخل صلاحیت شان باشد
خود فبصله و چیزهای خارج اقتدار خود را عندالایجاب
با نظریه خودشان که در تحت آن مینویسند بمقام بزرگتر
میفرستند .

۴۶- ضابطان و مامورین عسکری و تیکه به یک
ماموریت خصوصى و موقتاً تحت امر کدام آمر دیگریکه
راساً مربوط آن نبوده خدمت نمایند آمر موقت هر نوع

(۴۱)

مراجعاتی تحریری و شفاهی ایشا نرا قبول و معامله مینمایند و چیزهایی را که از صلاحیت آن خارج باشد به آمر اصلی مراجعت کنند و معلومات میدهد .

۳- شکایات

۴۷- شکایات بواسطه آمر نخستین ، و بسلسله مراتب اجرا میگردد اگر از آمر نخستین شکایت داشته باشد به آمر یکمرتبه بلندتر مراجعت کرده میشود . (اگر یک بلو کمشر از بلو کمشران تولی خویش و یا از ضابطان بزرگتر دیگر قطعات شکایت داشته باشند برای تولی کمشر تولی خود و اگر از تولی کمشر تولی خودش باشد بقوماندنی کنند اگر قوماندانی کنند شکایت شود توسط تولی کمشر خود بقوماندان غنند . . الخ مراجعت نمایند .)

افراد شکایات شانرا بواسطه دلگیمشر به تولی کمشر خود مینمایند اگر از دلگیمشر خویش شاکی گردند راساً بواسطه سرپر کمشر شکایت میدارند .

۴۸- در دوائر و قرارگاهها ، مکاتب عسکری و موسسات شکایات بدائرة صلاحیتها ی قانونی مدیران دوائر و یاروسا بعین طرز اجرا میگردد .

۴۹- آمرانیکه اختیارات فیصله نمودن شکایات را دارند بالذات آن را نتیجه میدهد شکایاتیکه بقرار و احکام آمرین بزرگتر تعلق داشته باشد به آنها اطلاع میدهند و حکم قرارهائی را که از مقام بلند حاصل می نمایند بشکایت کننده تبلیغ میدارند .

(۴۲)

۵- مقامات عسکری شکایت های افراد را که نسبت به مامورین و اشخاص ملکی داشته باشند تحقیق نموده بعد از آن بمرجع آن ارسال و اجراءات مقام مذکور اخذ و به شکایت کننده معلومات داده میشود .
شکایات ضابطان و مامورین عسکری نیز بهین شکل اجرا کرده می شود .

۵۱- در حضور ما فوق از خود شکایت نمودن ممنوع است در هر جا بیان شکایت از آمر و کار را بمباحثه دور دادن نیز مستلزم جزا است .

۵۲- اعتراض بقرار مقامات عسکری و تمیز خواهی نظر به اصول و قانون محاکم عسکری اجرا کرده میشود .

۵۳- شکایت کنندگان بیکه به اجراءات و قرار آمرین خویش به نسبت شکایت خود راضی نشوند اصولاً بمقامهای بلندتر مراجعت نموده می توانند .

۵۴- اشخاصیکه نظر به ترتیب معینه نوکریوال باشند اگر شکایتهائی که از فرا رسیدن و یا انضباط و نوبت داشته باشند بلسله نوکری بضابط نوکریوال کنند و یا به آمر نوکریوال غنند می نمایند و آخر الذکر هم بنوبت خویش به قواعد متذکره مراعات می نماید .

۳- مکافات

۵۵- مکافات بزرگترین منسوبین اردوی افغان اینست که در جزو تا مه و یا بوظایفیکه مامور میگرددند به اعتبار علم اخلاق درخشان ، محبت و اعتماد آمر و ما فوق خود را

(۴۲)

کمائی نموده و بدین وسیله نوت و یا سجل خوب گرفته در راه ترفیع بدون توقف ابراز موفقیت نمایند .

۵۶ - هر آمر غیرت و موفقیتهای معیت خویش را همیشه بیک صورت مشفق و بیطرفانه تدقیق و تعقیب نموده و آنها را باید جهت تحصیل حق و منفعت مکافات مادی بقانون و نظامات موجوده دلالت نماید و برای مکافات معنوی فرصتهای ترغیب و تحسینی را که حقشان میباشد به صورت عرض به ما فوقان و تقدیر ذریعۀ تعمیمها از دست ندهد بآنهم هر کس مکلفست تا وظائفی را که بخودش تودیع میشود خیلی خوب و مکملاً بوقتتش ایفا نماید بنا بران (وظیفه خویش را اجرا نموده و بوقتتش ایفا کرده باشد) گفته توزیع مکافات افراد در تلافیف میباشد و اینچنین معاملات حسن و فکر ایفای وظیفه در بدل مکافات را به اردو تزریق نموده و نتیجه سوء میدهد .

۵۷ - برای اینکه صاحبان وظیفه مستحق تلافیف شده بتوانند وظائفی را که اجرای آن بوقتتش بوجه احسن شرط است بسیار خوب و تمام بوقت آن طوریکه بمقابل مشکلات قوت و قدرت ما فوق الطاقه صرف نموده بدون خوف و جسورانه بیک شکل درخشانی که هر کس را و اله و حیران سازد ایفا و اتمام نماید این اساس بطور مقیاس عمومی بوده مکافاتیکه تنها در داخل این اجرا گردد همیشه موثر و تشویق دهنده میباشد .

۵۸ - نظر به نظام منامۀ انعامات اردو مکافات و انعامات ضابطان و افراد به اصول آتی اعطا میگردد :

(آ) ضابطانیکه مکافات مادی میگیرند همین مکافاتشان